۷۱-۹۲

شناسایی اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی

سعید راصد[۱] ◉ دکتر غلامرضا صرامی فروشانی[۲*] ◉ دکتر عزیزالله تاجیک اسمعیلی[۳]

چکیده: هدف از پژوهش حاضر، شناسایی اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی براساس مبانی انسان‌شناسی اسلامی بود. برای این منظور از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده‌شد. جامعهٔ پژوهش را تمامی اسناد ومدارک مورد نظر مربوط به انسان‌شناسی اسلامی تشکیل می‌دادند که کتاب‌های عبدالله جوادی آملی در حوزه انسان‌شناسی به‌صورت هدفمند به عنوان نمونهٔ پژوهش انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. همچنین، برای یافتن چارچوبی که با آن بتوان اصول ارزشیابی را استخراج کرد، ده نفر از متخصصان برنامهٔ درسی، ارزشیابی و معارف و علوم اسلامی به روش گلوله برفی و براساس اصل اشباع نظری انتخاب شدند که چهل‌وچهار سؤال را در مورد انسان‌شناسی در اسلام و قرآن طرح‌کردند. با توجه به‌این پرسش‌ها، مفاهیم انسان‌شناسی برای احصا اصول ارزشیابی مورد بررسی قرارگرفتند که یافته‌ها حاکی از استخراج یکصدوهشتادو یک گزارهٔ مفهومی و پنجاه وهفت اصل ارزشیابی بودند که با کنارگذاشتن موارد مشابه، به چهارده اصل تقلیل یافتند. سه اصل مهم از میان آن‌ها به‌ترتیب اهمیت عبارت بودند از: تأکید بر عمل وعملکرد آدمی، تأکید بر خودارزیابی و تأکید بر درون. درمیان این سه اصل نیز، تأکید بر عمل از آن‌جهت مهم‌ترین اصل ارزشیابی شناخته شد که اولاً عمل گستره‌ای وسیع داشته و تمامی فعالیت‌های انسان را در بر می‌گیرد و ثانیاً، دارای سه عنصر آگاهی، اراده و علاقه است که اغلب موارد ارزشیابی را پوشش‌می‌دهد. همچنین، یافته‌های اعتباریابی درونی با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه بیانگر آن بود که میانگین به‌دست‌آمده کل گویه‌ها بالاتر از میانگین فرضی ۳ است و این تفاوت میانگین در سطح $p \leq ۰/۰۱$ معنادار است. درک این مفاهیم و اصول کمک می‌کند برنامه‌ریزان درسی و معلمان، ارزشیابی را به‌گونه‌ای انجام دهند که ارزش‌های والای اسلامی، در یادگیرندگان متجلی و آشکار شود.

کلید واژگان: اصول ارزشیابی، پیشرفت تحصیلی، انسان‌شناسی اسلامی

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۹ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۴

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانش‌آموخته دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). **E-mail:** sarami@khu.ac.ir

۳. دانشیار روان‌شناسی و مشاوره (بازنشسته)، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

منطق برنامه‌ریزی درسی و تجارب گوناگون تغییر و اصلاح نظام‌های‌آموزشی در جهان و ایران همواره نشان داده‌است که یکی‌از مهم‌ترین عوامل احراز موفقیت در اصلاح نظام آموزشی و ایجاد تغییر بنیادین در کیفیت یاددهی ـ یادگیری، بهبود بخشیدن به نظام ارزشیابی و ملاک و معیار قراردادن آن درجهت نظریه‌های تعلیم‌وتربیت و هدف‌های غایی آموزش‌وپرورش کشـــور است. مهرمحمدی (۱۳۹۲) معتقد اســـت که شرط لازم‌وکافی برای تحقق بخشـــیدن به آرمان‌های هر نظام آموزشی آن‌است که سنجش حامل آن‌ها باشد. تغییر در اهداف آموزش نیاز به تغییر در شیوه‌های آموزش و به تبع شیوه‌های سنجش دارد. ازاین‌رو، نظام ارزشـــیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان به‌منزلهٔ نقطهٔ عزیمت اصلاحات آموزشـــی یا کانون اصلی اصلاحات است؛ یعنی تغییر در انگاره یا گزاره‌های کلان تجویزی نظام تعلیم‌وتربیت می‌تواند «مســـتقیماً» تغییر نظام سنجش را هدف قرار دهد و تحول در این عنصر، اصلاح سایر مؤلفه‌ها به ویژه برنامهٔ‌درسی و آموزش را در پی داشته باشد.

روش‌های مناســـب و مطلوب ارزشیابی، نقش اساسی در دستیابی به اهداف آموزش‌وپرورش دارند. ازاین‌رو، نظام‌های آموزش عمومی و آموزش عالی در سراســـر جهان در پی بهبود روش‌های ارزشـــیابی خود هســـتند (آباتیهون[1]، ۲۰۱۹؛ به‌نقل‌از ســـیدی و همکاران، ۱۴۰۱). آزاد (۱۳۹۶) معیارهای اساسی ســـنجش مبتنی بر شایستگی را وجود اســـتانداردها، شواهد، چارچوب تطبیقی، تضمین کیفیت فرایند و تأکیـــد بر پیامدهای یادگیری می‌داند که از طریق مشـــاهدهٔ عملکرد، آزمون مهارت، شبیه‌ســـازها و آزمون کتبی عملکرد محقق می‌شود. احمدپوری و شیخ‌زاده (۱۳۹۶) از جمله ویژگی‌های نظام ارزشیابی مطلوب را، توجه به اهداف واقعی آموزش‌وپرورش، بازخورد مثبت و ســـازنده، رشد مهارت خوداصلاحی و خودتنظیمی برشـــمردند. عارفی (۱۴۰۰) در پژوهشی با هدف ارائهٔ الگوی سنجش پیشرفت تحصیلی در دورهٔ ابتدایی نظام آموزش‌وپرورش ســـوریه نشـــان داد که با اتکا به مبانی فلســـفی، روان‌شناختی و جامعه‌شـــناختی، استمرار فعالیت ارزشـــیابی، دقت و جامعیت، توجه به مهارت‌ها و توانایی‌ها، ملاحظهٔ تفاوت‌های فردی، خودارزیابی و ارزیابی توســـط همتایان از موارد ســـنجش اصیل قلمداد شـــده است. رودریگز[2] و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «مدل مداخله‌ای و سنجش بهینه توانمندی‌ها» نشان دادند که تمرکز اصلی ســـنجش باید توانمندی‌ها و نقاط قوت دانش‌آموزان باشـــد و نیرومندسازی آنان مدنظر قرارگیرد. در این مدل به‌خلاف رویکرد سنتی که بر طبقه‌بندی عملکرد و مقایسهٔ نمره‌ها با هنجار متمرکز است، تفسیر نمره‌ها باید با بهره‌گیری از سنجش پویا انجام شود تا یادگیری فرد به‌خوبی سنجش شـــود. دنمان و المهروقی[3] (۲۰۱۸) نشـــان دادند که سنجش پیشرفت تحصیلی مبتنی بر ابعاد و اصولی اســـت که عبارت‌اند از: سودمندی (بهبود یادگیری و انگیزش)، منصفانه و اخلاقی‌بودن و به‌نظررسیدن

1. Abatihon
2. Rodriguez
3. Denman & Al-Mahrooqi

از سوی دانش‌آموزان، استفاده از ابزارهای روا و معتبر، متنوع و معرف بودن شیوه‌های سنجش، شفافیت در ملاک‌ها، کارآمدی در دستیابی به اهداف قصدشده (تراکمی، تشخیصی یا تکوینی)، قابلیت اجرا (بر حسب هزینه و کارکنان) و امنیت در مستندسازی و انتقال اطلاعات گردآوری شده. وایونی[1] و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با هدف طراحی مدل سنجش توانمندی‌های دانش‌آموزان نشان‌دادند که فعالیت‌های سنجشی باید اطلاعاتی را برای معلمان فراهم کنند تا بتوانند با به‌کارگیری آنها مهارت‌های تدریس خود را ارتقا دهند و به یادگیرندگان یاری رسانند.

نظریات یادگیری بسته به رویکردی که به انسان دارند، بر یکی از جنبه‌های انسان‌شناسی تأکید می‌کنند و مبنای فلسفی وفکری خاصی را زیربنای کار تربیتی خویش قرار داده‌اند (کدیور، ۱۳۹۲). درعلوم بشری از انسان به عنوان حیوان‌ناطق یاد می‌شود و آنها که آدمی را تنها به ظاهر می‌شناسند، او را موجود زنده‌ای می‌دانند که از حیث حیات با دیگر جانوران، مشترک و از جهت نطق و سخنگویی، از آن‌ها متمایز است، اما در فرهنگ قرآن‌کریم، نه آن قدر مشترک و نه این فصل ممیز، هیچ‌یک به رسمیت شناخته نشده است و در تعریف نهایی انسان به‌خلاف تعریف منطقی، نه از حیات حیوانی سخنی است و نه از تکلم عادی؛ بلکه درنهایت، آنچه به عنوان جنس و فصل انسان از قرآن به‌دست می‌آید، تعبیر «حیّ مُتألّه» است (جوادی‌آملی،۱۳۸۴). بنابراین، ازآنجا که وجود آدمی در دو قلمرو عقل نظری و عقل عملی، گسترده و همهٔ گزارش‌ها و گرایش‌های او رو به خداست، ضروری است به تبیین جنس حقیقی، یعنی «حَی» و فصل واقعی، یعنی «متألّه» پرداخت و تفاوت دو تعریف منطقی و الهی از انسان را بازشناخت و درنهایت آن را پایه و اساس دیگر فعالیت‌های‌تربیتی ازجمله ارزشیابی قرارداد.

رینالدی[2] (۲۰۰۶) ارزشیابی را تصمیم‌گیری در مورد این‌که چه‌چیزی با ارزش است؟ یا شما به چه چیز بیشترین ارزش را داده‌اید؟ تعریف کرده است (به نقل از رستگار، ۱۳۹۲). هر ارزشی از یک پایهٔ بینشی و یک پایهٔ گرایشی ساخته می‌شود. ارزش به معنای اهمیت رفتار و تکیه‌گاه عملکردهاست و هر نقطه‌نظر و یا عمل گرایشی یا بینشی، اصلی و یا فرعی، که از نظر شخصی، گروهی و یا مکتب یا مکاتبی اهمیت دارد «ارزش» نامیده می‌شود (فروزنده دهکردی،۱۳۹۲). از نظر اندیشمندان فلسفهٔ اسلامی، ارزش‌ها یک سلسله اصول کلی، ثابت و مطلق‌اند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند اما مصداق آنها تغییرپذیر است. ملاک کلی ارزش چیزی‌است که موجب کمال واقعی انسان‌است و آن «قرب الهی» است (فروزنده دهکردی، ۱۳۹۲). ارزش‌ها همان آرمان‌های جهت‌دهنده و هدایت‌گری هستند که از جهان‌بینی ما سر برمی‌آورند و هدف‌ها و روند هدف‌گذاری‌های زندگی‌مان را از رهگذر نقشی که بر جریان‌تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اندیشه‌ورزی ما دارند، زیر نفوذ می‌آورند (سند تحول بنیادین،۱۳۹۰). آقای جوادی‌آملی نُه ارزش را به‌عنوان ارزش‌های اصیل قرآنی انسان معرفی کرده‌اند. این ارزش‌ها در دو قسمت ارزش‌های

1. Wahyuni
2. Rinaldi

مربوط به کرامت انسان که ذاتی انسان‌است (علم به اسماء، خلیفه‌اللهی، تسخیر زمین و آسمان، بصیرت بر خویشـــتن) و ارزش‌های مربوط به فضیلت‌های انسان که انسان نسبت به سایر موجودات بیشتر دارد (احسن‌المخلوقین، داشـــتن اراده، پرواز به سمت بی‌جهتی، آیتی بودن، داشتن تشریع علاوه بر تکوین) تقســـیم شـــده اســـت (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵)، در این میان بالاترین ارزش، داشـــتن ایمان و رسیدن به غایت‌الغایات، یعنی خود خداوند است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۶؛ سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

تفاوت در تعاریف ارزشـــیابی بیش از هر چیز به تفاوت تعریف مکاتب از انسان برمی‌گردد. از آنجا که ارزشیابی به‌معنای خاص در نظام تعلیم‌وتربیت، از یادگیرنده صورت می‌گیرد، از این‌رو شناخت یادگیرنده به‌عنوان انسان موضوع تربیت و سنگ‌بنای آن‌است (دلبری، ۱۳۹۴). متحول ساختن آدمی، بدون داشتن توصیفی از او، میسر نیست (اسلامی اردکانی، ۱۳۹۳). نظام تربیتی وثیق و عمیق، نظامی است که میان زیرســـاخت‌ها و مبانی تربیتی و روبناهای آن رابطهٔ منطقی وجود داشته باشد و در تعیین اهداف، اصول و روش‌های تربیتی به مبانی و زیرســـاخت‌ها کاملاً توجه شـــده باشد و وفاداری آن نظام تربیتی نسبت به‌مبانی آشـــکار و نمایان باشد. درک‌وفهم این مهم بستگی به تبیین شناخت دقیق همهٔ مبانی به ویژه مبانی انسان‌شـــناختی دارد، زیرا، همهٔ عناصر و اجزای نظام تعلیم‌وتربیت اعم از اهداف، اصول، روش‌ها، ارزشیابی‌ها، عوامل و موانع تربیت به‌گونه‌ای به موقعیت و وضعیت انسان ناظر است. از این‌رو در ساحت تربیت، شـــناخت انسان و شـــناخت زوایای وجود او ضرورت تام دارد (دلبری،۱۳۹۴). از آنجا که تغییر و تهذیب انســـان، فرع معرفت است، یعنی اول باید شناخت حاصل شـــود وسپس تغییر صورت پذیرد، از این‌رو، تفســـیر انسان بر تأمین ســـعادت او مقدم است؛ تا آشنایی و شناخت کاملی از هندسهٔ وجودی انســـان و جهان وجود نداشـــته باشـــد، تغییر آن ممکن‌است بالای شـــاخ رفتن و بُن آن را بریدن باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵).

نظام ارزشـــیابی فعلی با ارزشیابی مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی فاصلهٔ بسیار دارد. کریمی (۱۳۹۵) معتقد است برون‌داد و محـــصول آمـوزش و پـرورش چیزی جز میراندن ارزش‌ها، از بین بردن سازه‌های فطرت الهی، از بین بردن حس‌گرهای شناختی، عاطفی و حرکتی، ایجاد بی‌تفاوتی، دل‌مردگی و افســـردگی، تشویق‌های بیرونی با دادن نمره و جایزه‌های مادی و ایجاد تعلیم‌وتربیت صنعتی به‌جای فطری و... نیست. همچنین، براساس یافته‌های پژوهش‌ها خلأهای جدی نظام ارزشیابی کشور در این زمینه عبارت‌اند از: تک‌ســـاحتی بودن و توجه صرف به یک بُعد از ابعاد وجود آدمی یعنی شـــناخت و حافظه و فراموشـــی ارزش ـ محوری (متقی و نجفی، ۱۳۹۳)، اقتباس محض از دیگر نظام‌های آموزشی جهان و التقاط ناموزون بدون ملاحظه تناسب و هماهنگی میان همهٔ اجزای تأثیرگذار در موفقیت جریان تربیت (ســـند تحول بنیادین، ۱۳۹۰؛ به نقل از ســـیدی و همکاران، ۱۴۰۱)، تحدید مفهوم ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به آزمون‌های معلم‌ساخته (خلخالی، ۱۳۸۱)، نسخه‌برداری از برنامه‌های ناسازگار با مبانی اسلامی (علم‌الهدی، ۱۳۸۵)، توجـه به خطاها و عـیب‌ها به‌جای تأکـید بر خـوبی‌ها و تـلاش‌ها (نباتی، ۱۳۹۵)،

عدم توجه به مبانی نظری و بنیادهای فلسفی ارزشیابی (حکیم‌زاده، ۱۳۸۷)، انحراف مسیر یادگیری و خنثی کردن اهداف تربیتی (فروزان‌کیا، ۱۳۹۰)، تعارض با روح جستجوگری و پرسشگری در کودک (حسنی و احمدی، ۱۳۸۷)، عدم توجه به ارزش‌های واقعی و اصیل و نیازهای آموزشی (بختیاری، ۱۳۹۵)، توجه و برتری دادن به معدل تحصیلی و محفوظات ذهنی به جای دل و قلب آدمی به‌عنوان خاستگاه و جان مایهٔ اصلی تفکر و معرفت باطنی (کریمی، ۱۳۹۵)، التقاطی بودن اصول ناظر بر محتوای یادگیری، راهبردها و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (سلسبیلی، ۱۳۹۶)، نبود ملاک و معیار درست برای سؤال‌های امتحانی و بسنده‌کردن نظام‌آموزشی و ارزشیابی به امتحانات پایانی و تراکمی و عدم‌توجه به مبانی تعلیم‌وتربیت اسلامی (حسنی و کیامنش، ۱۳۸۸). از دیگر چالش‌های این حوزه آن است که پژوهشگران و متخصصان این حوزه، بیشتر به ارزشیابی از برنامهٔ درسی و الگوهای ارزشیابی، کارآیی و عدم کارآیی، کیفیت‌بخشی در عمل و کتاب‌های درسی توجه کرده‌اند و به مبانی فلسفی کاری نداشته‌اند. با توجه به محدودیت‌ها و چالش‌های مذکور، نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی نیازمند بازنگری است تا با تجدید نظر در اهداف، روش، ارزش و پیامدهایش، گزارشی جامع و واقع‌نگرانه‌تر از روند پیشرفت تحصیلی ارائه کند (محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۷). پژوهش حاضر یکی از مهم‌ترین خلأها، یعنی عدم‌توجه به مبانی «انسان‌شناسی» را مورد توجه قرار داده است و به خالق انسان یعنی خدا و کتاب او مراجعه و جواب‌های خود را در آن جست‌وجو کرده، زیرا «ولاینبئک‌مثل‌خبیر»[1] «ومن‌اصدق‌من‌الله قیلا»[2]. قرآن کتابی است که انسان را با تمامی جوانب تفسیر کرده است و نگاهی روشن به آغاز و انجام و ارزش‌های انسان دارد. از این‌رو، پژوهش حاضر قصد دارد با بررسی مبانی انسان‌شناسی مبتنی بر آموزه‌های دینی از دیدگاه جوادی آملی به عنوان مفسر برجستهٔ قرآن که در زمینهٔ انسان‌شناسی تسلط دارد، شناخت انسان از نظر تعریف، هویت، ماهیت و ارزش‌ها، اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی را احصا کند و به‌این ترتیب خلأ موجود در ادبیات این حوزه را پوشش‌دهد. همچنین، بعد از استخراج اصول، اعتبار آنها را با نظر کارشناسان و برنامه‌ریزان درسی مورد بررسی قرار دهد تا ضمن اعتباربخشی به این اصول، سیاست‌گذاران آموزشی نگاهی دقیق و روشن نسبت به موضوع ارزشیابی پیدا کنند و تحولی نو مبتنی بر انسان‌شناسی قرآن در برنامه‌ریزی کلان تعلیم‌وتربیت و نظام ارزشیابی کشور به‌وجود آورد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی است. جامعه پژوهش را تمامی اسناد و مدارک مورد نظر مربوط به انسان‌شناسی اسلامی تشکیل می‌دادند که کتاب‌های جوادی‌آملی در حوزه انسان‌شناسی به‌جهت جامعیت و ابتنای آن به قرآن به‌صورت هدفمند به‌عنوان نمونه پژوهش مورد

۱. فاطر/۱۴
۲. نساء/۱۲۲

توجه قرار گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. پس از استخراج مفهوم انسان (گزاره‌های توصیفی انسان‌شناسی)، برای یافتن چارچوبی که با آن بتوان از این مفاهیم، اصول ارزشیابی (گزاره‌های تجویزی ارزشیابی) را استخراج‌کرد، ده نفر از متخصصان برنامهٔ درسی، ارزشیابی و معارف و علوم اسلامی به روش گلوله برفی و براساس اصل اشباع نظری انتخاب شدند که چهل‌وچهار سؤال را در مورد انسان‌شناسی در اسلام و قرآن طرح کردند. با توجه به این پرسش‌ها، مفاهیم انسان‌شناسی برای احصای اصول ارزشیابی مورد بررسی قرارگرفتند. پس از استخراج اصول، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ده نفر از کارشناسان و برنامه‌ریزان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی اعتبار آنها را در قالب روایی محتوایی مورد بررسی کیفی و تأیید قراردادند.

یافته‌ها

در فرایند بازبینی مفاهیم انسان‌شناسی و مؤلفه‌های مربوط به اصول ارزشیابی از طریق کدگذاری باز، نام‌گذاری، طبقه‌بندی و توصیف کدها انجام‌گرفت و گزاره‌های مفهومی کتاب‌های نمونه استخراج شدند. پس از بررسی مفهومی انسان از کتاب‌های نمونه و تحلیل آنها به‌منظور مقایسه مفاهیم و مؤلفه‌های به‌دست آمده، کدگذاری محوری صورت‌گرفت و در مرحله کدگذاری انتخابی مؤلفه‌های اصلی شناسایی شدند. از تحلیل مفاهیم انسان‌شناسی، حدود ۱۸۱ گزارهٔ مفهومی و ۵۷ اصل استخراج شدند که نمونه‌ای از سؤال‌ها، گزاره‌های مفهومی و اصول استخراج‌شده در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه‌ای از گزاره‌های مفهومی و کدگذاریهای مربوط به آن

	سؤال	گزاره‌های مفهومی	زیرمؤلفه
		۱) شناخت انسان	
۱-۱.	**چرا شناخت انسان و خودشناسی مهم است؟**	● زیرا انسان خلیفهٔ خداست و معرفت خلیفه، نشانهٔ شناخت «مستخلف عنه» است. هرچه خلیفهٔ خدا... ● ... قلب سلیم ترازوی اعمال هر فرد است. در این نگاه ترازوی اعمال، دل انسان است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص ۵۰). ● امام صادق (ع) می‌فرماید: باید نخست دل را از میل به اغیار تهی ساخت تا مهر خدا در آن جای گیرد (جوادی‌آملی ۱۳۹۶، ادب فنای مقربان، ج۷، ۱۲۴).	● نگاه باید به درون باشد. ● ترازوی سنجش، دل انسان است. ● توجه به خودارزیابی... ● در ارزشیابی‌عمل باید مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۱. (ادامه)

	سؤال	گزاره‌های مفهومی	زیرمؤلفه
۲-۱.	**با توجه به تعریف قرآنی حی‌متاله بودن انسان، چگونه انسان ظاهری را از انسان حقیقی بشناسیم؟**	● در انسان‌شناسی همچون شناخت آب از دیگر مایعات نیازبه شاخص داریم... شاخص‌هایی که قرآن بیان می‌کند عبارت است از: ۱. زنده یا مرده‌بودن (قرآن کافر را مرده می‌داند)... جوادی‌آملی۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۱۳، ص۵۹۶)، (جوادی‌آملی ۱۳۸۹ج، انسان از آغاز تا انجام، ص۱۰۴).. ۲. وزین یا خفیف بودن ۳. بیان یا ابهام داشتن... (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۲۵۵).	● در ارزشیابی باید شاخص‌های آن ازقبل به افراد داده شود.

۲) هویت انسان

۲-۱.	**هویت اصلی انسان چیست؟ بیگانهٔ وجود انسان کیست؟**	● محور انسانیت انسان به‌روح اوست (جوادی‌آملی ۱۳۸۷، سروش هدایت، ج۹، ص۳۹۸). ● خود اصلی، همان جان آدمی است و بیگانه همان تن وی. (جوادی‌آملی ۱۳۸۷، سروش هدایت، ج۴، ص۴۸) ● هویت اصلی انسان به روح اوست... (جوادی‌آملی ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۶۸) ● تکلیف الهی فقط متوجه هویت اصیل انسانی، یعنی روح اوست و... (جوادی‌آملی ۱۳۹۶، ادب فنای مقربان، ج۱، ص۲۷۲). ● فطرت هویت اصلی انسان است (جوادی‌آملی ۱۳۸۹، تسنیم، ج۳۱، ص۷۳).	● ارزشیابی باید به عنصر محوری و اصل وجود انسان که روح اوست نه تن، بپردازد.
۲-۲.	**هویت قرآنی انسان چیست؟**	● اگر آدمی خویشتن خویش را ببیند، یقینا چون موجود فقیری است، خود را فقط به‌الله وابسته می‌بیند و... (جوادی‌آملی ۱۳۸۹، تسنیم، ج۳۱، ص۵۸ و ۵۹). ● انسان خلیفهٔ خداست و دو امر دربارهٔ او ممنوع است... (جوادی‌آملی ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۵۹) ● انسان نظیر حباب است؛ نه عُباب(سیل): ... (جوادی‌آملی ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۵۷). ● قلب آدمی، حقیقت اوست و میان انسان و حقیقت وی، خدا فاصله است،... ● او در درون ماست، بی‌آنکه رنگی بگیرد و جایی به کسی بدهد و محدود شود (جوادی‌آملی ۱۳۹۵، تسنیم، ج۴۱، ص۳۴۸)، (جوادی‌آملی۱۳۸۶الف، رحیق مختوم، ج۱، ص۴۷۶).	● ارزشیابی‌ها باید این خودآگاهی و خودشناسی را در فرد به‌وجود بیاورد که او فقیر است و هرچه هست اوست، خلیفه بودن انسان را به او بنمایاند (خلافت = اصالت) نیست، خلیفه یعنی: ـ ازپیش خود نمی‌تواند کاری انجام دهد. ـ نباید نایب بیگانه باشد.

جدول ۱. (ادامه)

	سؤال	گزاره‌های مفهومی	زیرمؤلفه
		۳) سرمایهٔ انسان	
۳-۱.	**آیا انسان با سرمایهٔ نهادی آفریده شده؟ سرمایهٔ وجود آدمی چیست؟**	● اصلی‌ترین سرمایهٔ انسان و برترین توشهٔ او در مسیر کمال‌جویی فطرت است (جوادی‌آملی ۱۳۹۶، ادب فنای مقربان، ج۵، ص۴۰۱). ● علم دو گونه است، علم صاحب‌خانه یا میزبان و علم اکتسابی یا مهمان. علم میزبان فطرت و ... (جوادی‌آملی ۱۳۸۸ج، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص۱۲۶). ● خدا انسان را با سرمایه‌ای ارزشمند آفرید و او فطرتی الهی دارد و مانند لوحی نانوشته نیست ... . ● ولی این دل مایهٔ او نظیر معدن مستور است و به‌استخراج واثاره احتیاج دارد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۷۳).	● ارزشیابی باید معادن درون انسان را از قوه به فعلیت درآورد. توان‌مندی واستعدادهای هر فرد متفاوت است و ارزشیابی باید متنوع بوده و به تفاوت‌های فردی توجه کرده و آن‌ها را شکوفا کند.
۳-۲.	**آیا طبیعت انسان را باید تعطیل کرد و صرفاً به فطرت پرداخت؟**	● فطرت ربانی‌پذیر او شیفتهٔ وحی است تا به کمک آن، طبیعت نفسانی را به اعتدال برساند و ظلمت‌های طبیعی را نورانی سازد، ... (جوادی‌آملی ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۱۲، ص۲۱۹).	● در ارزشیابی به دیگر موارد باید به اندازه‌ای توجه شود که فطرت آن را به حالت تعدیل درمی‌آورد (به ورزش، شیمی، ریاضی و ... لازم است به اندازه‌ای توجه شود که اینها هدف نگردد).
		۴) ماهیت انسان	
۴-۱.	**ماهیت انسان (جنس و فصل) در قرآن چیست؟**	● در ابتدای مقاله بیان شد.	● در ارزشیابی ارزش‌های اصیل آدمی یعنی متاله بودن انسان باید مورد توجه قرارگیرد.
۴-۲.	**حرکت انسان به‌سوی کمالات درونی است یا بیرونی؟ در این میان نقش انبیا چیست؟**	● پیامبران آمدند تا گنجینه‌های عقول و دلهای مردم را اثاره کنند. اثاره یعنی ایجاد ثوره (انقلاب) نفرمود انبیا آمدند تا تعلیم و تزکیه کنند... (جوادی‌آملی ۱۳۸۹الف، آفاق اندیشه، ص۳۳۷). ● معرفت فطری و خداجویی درونی به انسان اختصاص ندارد و همهٔ موجودات. ● هان از آن برخوردار و هماره تسبیح‌گو و ستایشگر اویند (جوادی‌آملی ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۲۶، ص۱۵۴). ● پیامبران الهی برانگیخته شدند، ... (جوادی‌آملی ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۴۵، ص۵۷۹). ● دو روایت «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضه» از پیامبر گرامی اسلام و «یثیرو الهم دفائن‌العقول»... (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۹۹).	● در ارزشیابی باید به درون آدمی توجه کرد یعنی علم به ودیعت گذاشته در درون و وجود اوست که مهم است (تذکر). ● توجه به استعدادها و تنوع و تفاوت در ارزشیابی.
		۵) انسانیت انسان	
۵-۱.	**حیات انسان به چیست؟**	● حیات انسان و به‌سخن‌دیگر انسانیت‌انسان و اصالت وجودی‌اش وابسته به روح اوست، نه‌جسم وی و ... باده از ما مست‌شدنی ما از او قالب از او هست‌شدنی ما از او (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۸۸).	● در ارزشیابی باید آنچه ارزش‌های وجود انسان است مورد توجه قرارگیرد نه صرفاً جنبهٔ جسمی و مادی او.

جدول ۱. (ادامه)

	سؤال	گزاره‌های مفهومی	زیرمؤلفه
۵-۲.	**چرا در انسان باید به قلب و روح به‌عنوان یک اصل نگریست؟**	● آن اصل اصیلی که هویت انسان است و انسانیت وی را تامین می‌کند، همان روح ملکوتی اوست. در تعبیرات دینی از این حقیقت تغییرناپذیر به «قلب» نیز یاد شده است: «ان قلب‌المومن عرش‌الرحمن». ● مضمون بخش مهمی از قرآن این است که درون انسان، گوهری هست که... (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص۲۸۴).	● در ارزشیابی آن اصل اصیلی‌که باید مرکز تعلیم‌وتربیت و آموزش و پرورش انسان‌ها باشد قلب و درون آدمی است نه چیزهای ظاهری و زودگذر و بیرونی. ● ارزشیابی باید در جهت این اصل اساسی وجود انسان (قلب و روح او) طراحی شود و به خود اصلی انسان ظلم نشود.
	۶) شخصیت انسان		
۶-۱.	**شخصیت و شاکلهٔ انسان چگونه حاصل می‌شود؟**	● شخصیت و شاکله که محصول اعمال و نیات انسان است، امری اکتسابی است؛ درمقابل فطرت که امری ذاتی و سرشتی است و... (آثار شهید مطهری در مورد فطرت، به نقل از آروانه و داودی، ۱۳۹۰). ● انسان محکم قرآنی کسی است که مطابق شاکلهٔ خود، یعنی فطرت خداجوی و خداخواه (مرز محکمات) خود عمل می‌کند و چنین انسانی بیانش آشکار و روشن و اعمالش وزین و... (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص۲۶۳).	● همواره ارزش‌ها باید ازطریق عمل مورد ارزشیابی قرارگیرد تا شاکلهٔ فرد، مشخص گردد که ممدوح است یا مذموم.
۶-۲.	**چرا به انسان اختیار داده‌اند و عقل چه نقشی را ایفا می‌کند؟**	● اختیار موهبتی الهی است که انسان می‌تواند بگوید (می‌توانم انجام‌بدهم یا ندهم) و شاکلهٔ اکتسابی خود را درجهت فطرت یا طبیعت بسازد و... (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص۳۱۳).	● داشتن اختیار و آزادی برای عمل ● خودارزیابی
	۷) محکمات و متشابهات وجود انسان		
۷-۱.	**محکم وجود انسان چیست؟ چرا بقیهٔ متشابهات وجود انسان باید با آن هماهنگ شوند؟**	● اگر پیوند روح الهی انسان با خدا حفظ شود، انسانیت او تأمین است، بنابراین باید سایر قوای علمی و عملی را به‌گونه‌ای تفسیرکرد که با این روح ملکوتی بسازد. او محکم است و بقیه متشابه ... ● قرآن وقتی با معرفی جوهرهٔ انسانیت و تبیین فروعات آن، ما را از ظلم به آن گوهر اصیل بازمی‌دارد، تفسیر انسان به انسان است. ● اگر این اصل تضعیف... به «اولئک کالانعام بل هم‌اضل» می‌انجامد. اینکه ذات قدس‌اله فرمود: «انی جاعل فی‌الارض خلیفه»یعنی «خلیفتی». اگر... ● براین‌اساس، باید در حوزهٔ انسانیت، ستادی مرکزی تاسیس کرد و بقیه پیرو آن ستاد مرکزی باشند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ۲۸۵). ● روح انسان اصالت دارد. منظور از... (مصباح، به‌نقل‌از فروزنده دهکردی و فروغی‌نیا، ۱۳۹۲، ص۳۴ و ۳۵).	● ارزشیابی‌ها باید جهت داشته باشند و بقیهٔ ارزشیابی‌ها باید در جهت بالاترین ارزش باشند؛ والّا ارزشی نخواهند داشت. ● در ارزشیابی همواره باید آن عنصر اصیل و ارزشمند وجود انسان (واقعیت انسان) (حی‌متأله بودن انسان) مورد توجه قرار گیرد والّا تلاش‌های او به سمت ارزش‌های کاذب و بی‌مقدار می‌رود.

جدول ۱. (ادامه)

	سؤال	گزاره‌های مفهومی	زیرمؤلفه
۷-۲.	**تفسیر انسان به انسان و شناخت محکمات و متشابهات، چگونه او را از هلاکت و نابودی نجات می‌دهد؟**	● اگر کسی صدای درون خود را نشنود، صدای بیرون، او را به خود جذب می‌کند، پس باید دانست که اصول کلیدی و فروع انسان چیست، تا فروع را به اصول ارجاع دهیم و ... ● انسانی که خود را مخلوق خدا می‌داند، بر اثر ارجاع متشابهات... ● همان‌گونه که تفسیر اجزای متشابه به اجزای محکم وجود، سبب رهایی از تباهی... (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص۲۸۲).	● در ارزشیابی، خودشناسی (آگاهی و وقوف به نقاط ضعف و قوت، فروع و اصول وجود خویش) از کلیدی‌ترین مباحث به عنوان ملاک و معیار آزمون، باید موردتوجه قرار گیرد. ● در ارزشیابی مسائل درونی، مهم‌تر از مسائل ظاهری و بیرونی است.

بعد از کدگذاری داده‌ها و رسیدن به حد اشباع و تعیین روابط بین مفاهیم و طبقه‌بندی براساس مشابهت کدهای به‌دست‌آمده، ۱۴ مؤلفه یا اصل از داده‌های کیفی پدیدار شد. این مؤلفه‌ها به ترتیب اهمیتی که متخصصان حوزهٔ موضوعی مشخص‌کردند، در جدول شماره ۲ سازمان‌دهی شدند. از میان این ۱۴ اصل نیز، ۳ اصل تأکید بر عمل و عملکرد آدمی، تأکید بر خودارزیابی و تأکید بر درون به‌عنوان مهم‌ترین اصول شناسایی شدند.

جدول ۲. اصول ارزشیابی براساس گزاره‌های انسان‌شناسی جوادی‌آملی

	مؤلفه	زیرمؤلفه
۱.	**توجه به عمل و عملکرد آدمی**	● در ارزشیابی عمل باید مورد بررسی قرارگیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان). ● ارزشیابی‌ها تاجایی‌که می‌تواند باید بر عمل و عملکرد فرد متکی باشد تا آن ارزش در فرد درونی شود و به شکل شاکلهٔ او درآید (جوادی‌آملی ۱۳۹۰، ادب و قضا در اسلام، ص۲۶۸)، (جوادی‌آملی ۱۳۸۸ب، حق و تکلیف، ص۸۲). ● همواره ارزش‌ها باید از طریق عمل مورد ارزشیابی قرارگیرند تا شاکلهٔ فرد، مشخص‌گردد که ممدوح است یا مذموم (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص۲۶۶). ● در ارزشیابی همواره باید ارزش‌های اصیل انسانی به او یادآوری شود که تو حی‌متاله هستی و الهی باید عمل‌کنی (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص۳۳۹). ● ارزشیابی باید به‌صورت عملی باشد، زیرا دیگر عناصر را در دل خود دارد (آگاهی، میل واراده)، (جوادی‌آملی ۱۳۹۴ب، نسیم اندیشه، دفتر چهارم، ۱۶۱). ● ارزشیابی عمل، گسترهٔ نامحدود دارد و معادن درون هر انسانی را به تناسب توانش می‌تواند نمایان سازد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۸، ص۳۲۹).
۲.	**خودارزیابی و داشتن اختیار وآزادی عمل**	● ترازوی سنجش دل انسان است. توجه به خودارزیابی نه دیگرارزیابی. (اقرا کتابک ... حاسبواقبل ...)، (جوادی‌آملی، ۱۳۹۶، ادب فنای مقربان ، ج۷، ص۱۲۴)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج ،تسنیم، ج۹، ص۵۱۹). ● ارزیابی باید مطابق با فطرت انسان و توسط خود انسان باشد. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۳۴، ص۳۸۴)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ادب فنای مقربان، ج۷، ص۲۲۰)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۳۸، ص۷۳). ● در ارزشیابی عنصر اجبار نباید باشد بلکه فرد باید بتواند با اختیار خود انتخاب‌گر ارزش‌های فطری و خوب خویش باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴الف، بر بال اعتکاف، ص۶۲).

جدول ۲. (ادامه)

	مؤلفه	زیرمؤلفه
۳.	**توجه به درون آدمی**	● نگاه باید به درون باشد نه به بیرون و یا از بیرون (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۴۱، ص۳۴۸)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶الف، رحیق مختوم، ج۱، ص۴۷۶). ● ارزشیابی به‌گونه‌ای باشد که اولاً افراد را به فکر فرو برد و ثانیاً فطرت الهی را در آنها زنده‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۳۱، ص۱۲۲)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶الف، رحیق مختوم، ج۱، ص۱۵۶). ● ارزشیابی در مسائل دینی نباید تأکید بر آموزش و اثبات خداشناسی باشد بلکه تأکید بر یادآوری علم به ودیعت گذاشته در درون و وجود انسان است که باید مهم باشد (تذکر)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹الف، آفاق اندیشه، ص۳۳۷). ● در ارزشیابی مسائل درونی، مهم‌تر از مسائل ظاهری و بیرونی‌است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴الف، بر بال اعتکاف، ص۸۵). ● ارزشیابی باید بتواند چشمه‌های حیات وجود انسان و علوم به ودیعت گذاشته در نهان او را آشکار سازد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۴۵، ص۵۷۹). ● آن اصل اصیلی که باید مرکز تعلیم‌وتربیت و آموزش و پرورش انسان‌ها باشد قلب و درون آدمی است نه چیزهای ظاهری وزودگذر و بیرونی (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰، ادب قضا در اسلام، ص۲۷۹).
۴.	**توجه به ارزش‌های اصیل آدمی و عناصر محوری انسان**	● ارزشیابی باید به عنصر محوری و اصل وجود انسان که روح اوست نه تن، بپردازد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، سروش هدایت، ج۴، ص۴۸). ● ارزش انسان به انسانیت انسان وپرورش روح و قلب و اوصاف الهی‌است اینها باید مورد ارزشیابی قرارگیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۴۱، ص۳۴۸)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶الف، رحیق مختوم، ج۱، ص۴۷۶). ● در ارزشیابی متاله‌بودن انسان باید مورد توجه قرارگیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴، تفسیر موضوعی قرآن، ج۱۵، ص۱۵و۱۶). ● ارزشیابی‌ها باید این خودآگاهی وخودشناسی را در فرد بوجود بیاورد که او حی‌متاله است و تاله و خداخواهی را در فرد تقویت کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۳۱، ص۵۸ و۵۹)، (تفسیرموضوعی‌قرآن، ج۱۵، ص۱۵و۱۶). ● ارزشیابی‌ها باید این نکته را یادآوری‌کند که: (ملکوت وجود انسان روح الهی و فطرت خداخواهی است) (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶ب، ادب فنای مقربان، ج۱، ص۲۷۲). ● ارزشیابی باید در جهت گرایشات و خواسته‌ها و نیازهای اساسی انسان باشد (ایمان محبوب قلوب و کفر مکروه قلوب است)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶ب، سرچشمه اندیشه، ج۴، ص۱۷۹)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۴۲، ص۵۵۷).
۵.	**فطرت، عقل ملاک و معیار سنجش**	● ارزشیابی‌ها باید براساس ویژگی‌های فطرت‌آدمی انجام پذیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۶ج، تسنیم، ج۱۰، ص۳۶۸). ● جهت تمام ارزشیابی‌ها باید بیداری و شکوفایی فطرت انسان باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۲۰۰). ● ارزشیابی‌ها باید جهت داشته باشند و بقیهٔ ارزشیابی‌ها باید در جهت بالاترین ارزش باشند؛ والّا ارزشی نخواهند داشت (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۲۸۳). ● تمام ارزشیابی‌ها باید در جهت شکوفایی و حاکمیت فطرت باشد نه حاکمیت طبیعت (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۳۱۱).
۶.	**توجه به استعدادها و تنوع و تفاوت در ارزشیابی**	● ارزشیابی باید معادن گوناگون درون انسان‌ها را از قوه به فعلیت درآورد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۴۵، ص۵۷۹). ● توانمندی و استعدادهای هر فرد متفاوت است، ارزشیابی باید به‌گونه‌ای باشد که به این تفاوت‌های فردی توجه‌کرده و همه را شکوفا کند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۷۳). ● ارزشیابی‌ها باید تفاوت وتنوع داشته باشند زیرا بذر این تنوع در وجود افراد نهاده شده و افراد بسته به علائق خود آنها را در تجلیات مختلف بروزمی‌دهند. امتحان نباید یکسان باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۷۳). ● ارزشیابی‌ها باید متناسب با توان افراد باشد (بچه‌ها چه دارند و چه ندارند، از نظر توان، کجا هستند؟) بر این اساس باید متناسب با سن و رشد فرد ارزش‌های فطری را در او شکوفا کرد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ۲۰۰).

جدول ۲. (ادامه)

	مؤلفه	زیرمؤلفه
۷.	**ارائهٔ ملاک و معیار ارزشیابی**	● ملاک‌ها باید صحیح و درست به افراد معرفی شود تا در اثر اعتیاد و تلقین فکری موضوعی زشت را زیبا جلوه ندهند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰، ادب قضا در اسلام، ص۳۰۵). ● شاخص‌هایی که افراد براساس‌آن مورد ارزشیابی قرارمی‌گیرند باید از قبل توسط دادن اطلاعات از آن اگاهی داشته باشند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج ۴۱، ص۳۴۸)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶الف، رحیق‌مختوم، ج۱، ص۴۷۶). ● در ارزشیابی همواره باید ارزش‌های اصیل انسانی به او یادآوری‌شود که تو حی‌متاله هستی و الهی باید عمل‌کنی (جوادی‌آملی، ۱۳۹۶، ادب فنای مقربان، ج۱، ص۳۸۹). ● در ارزشیابی ابتدا باید به عنوان ملاک و معیار، ارزش‌های اصلی وجود انسانی را به فرد شناساند (قبل از ارزشیابی برای فرد، باید این ملاک‌ها روشن باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، تسنیم، ج ۴۱، ص۳۴۸)، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶الف، رحیق مختوم، ج۱، ص۴۷۶).
۸.	**توجه‌به خودآگاهی و خودشناسی به منظور خودیابی**	● ارزشیابی‌ها باید این خودآگاهی و خودشناسی را در فرد به وجود بیاورد که او فقیر است و خلیفه بودن انسان را به او بنمایاند (خلافت= اصالت) نیست، خلیفه یعنی: ۱. از پیش خود نمی‌تواند کاری انجام دهد. ۲. نباید نایب بیگانه باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۵۹). ● هدف ارزشیابی‌ها باید به خودآگاهی و خودشناسی و درنهایت به خودیابی منجرشود و بداند خواندن این درس درچه جهتی است و چرا می‌خواند و چه سودی برای او دارد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۳۱، ص۵۸ و ۵۹). ● در ارزشیابی باید خودشناسی و خودآگاهی‌محور قرارگیرد تا فرد بتواند تفسیر درستی از خود داشته باشد و عقل را محور فعالیت‌های اعضا و جوارحش قراردهد و این مسیر منجربه خودیابی در فرد گردد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹الف، بر بال اعتکاف، ص۶۱).
۹.	**بیدار نگه‌داشتن همواره فطرت آدمی**	● ارزشیابی‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که همواره فطرت او را یادآوری کرده و بیدار سازد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۶، ادب فنای مقربان، ج۵، ص۴۰۱) ● در ارزشیابی‌فروع انسان (طبیعت او) باید از اصول انسان (فطرت وی) تبعیت کند نه بالعکس (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹الف، آفاق اندیشه، ص۱۳۰). ● ارزشیابی‌ها باید بتوانند گوهر و جان و فطرت آدمی را در عمل نمایان سازند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۲۶۶).
۱۰.	**توجه‌به علوم میزبان و علوم میهمان به‌میزان اهمیت و ماندگاری‌شان**	● در ارزشیابی باید توجه‌کرد که علوم اکتسابی میهمان نفس هستند و بعداز گذر زمان از بین می‌روند و آن علومی که باقی است علوم فطری است. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸ج، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص۱۲۶). ● در ارزشیابی دیگر موارد حیات نیز باید به‌اندازهٔ خود به‌آن توجه شود اما به اندازه‌ای که فطرت آن را به حالت تعدیل درمی‌آورد. (به ورزش، شیمی، ریاضی و... لازم است به‌اندازه‌ای توجه شود که اینها هدف نگردد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ج، تسنیم، ج۱۲، ص۲۱۹).
۱۱.	**مخالف نبودن با اقتضائات فطری آدمی**	● اگر ارزشیابی‌ها مطابق فطرت آدمی نباشد. (دستگاه هاضمهٔ فطرت او) آن را پس‌می‌زند یعنی نباید برخلاف فطرت آدمی و خواسته‌های فطری وی باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۷۰). ● ارزشیابی‌ها نباید برخلاف اقتضائات فطری انسان انجام‌پذیرد (آثار شهید مطهری در مورد فطرت، به‌نقل از آروانه و داودی، ۱۳۹۰).

جدول ۲. (ادامه)

	مؤلفه	زیرمؤلفه
۱۲.	**ماندگاربودن و مفید برای همهٔ زمانها**	● ارزشـــیابی‌ها بایدچیزهایی را مورد سنجش قراردهند که ماندگار اســـت. (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به انسان، ص۱۸۲). ● در ارزشیابی‌ها ارزش‌های مورد توجه، نباید چیزهایی باشد که شان انسانیت انسان را پایین بیاورد. (مثلاً او را درحد حیوان یا ابزار یا وســـیلهٔ قدرت قراردهد و یا...) (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۳۵۶ و ۳۵۷).
۱۳.	**مستمربودن**	● ارزشـــیابی‌ها باید ادواری تداوم یابد. (آثار شـــهید مطهری در مورد فطرت، به نقـــل از آروانه و داودی، ۱۳۹۰)، (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۲۶۶) ● همواره ارزش‌ها باید از طریق عمل مورد ارزشـــیابی قرارگیرد تا شـــاکلهٔ فرد مشخص گردد که ممدوح است یا مذموم (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۲۶۶).
۱۴.	**رتبه‌بندی براساس ارزش‌های والای انسانی**	● در ارزشیابی باید آنچه ارزش‌های وجود انسان‌است مورد توجه قرارگیرد نه صرفاً جنبهٔ جسمی و مادی او (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۸۸). ● در تمام ارزشـــیابی‌ها ارزش‌های کوچک نیز باید در مســـیر اقتدا به فطرت باشد زیرا جان‌مایهٔ آدمی و جان ملکوتی ارزشمند است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۸۶). ● ارزشیابی‌ها هرکدام باید مقدمهٔ رسیدن به یک ارزش بالاتر را در فرد فراهم‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۱۷۸). ● در ارزشـــیابی همواره باید بالاترین ارزش‌ها به او نشـــان داده شود تا بداند اینها مقدمه‌ای برای رسیدن به‌قله و آن ارزش والاســـت (ابراهیمی‌دینانی، ۱۳۹۶، اختیار در ضرورت هســـتی، ص۳۵۲)، (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، مبانی نظری تحول بنیادین، ص۹۱). ● ارزشـــیابی باید رتبه‌بندی و درجه‌بندی داشته باشد و مراتب آن براساس ارزش‌های والای انسانی باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۳۴۲). ● ارزشـــیابی‌ها باید ارزشیابی جوهر و درون آدمی باشـــد نه ظاهر و عوامل عرضی (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، تفسیر انسان به‌انسان، ص۳۶۰).

در بخش کمی، در بررسی این سؤال که «آیا این اصول از نظر متخصصان دارای اعتبار درونی است» میانگین‌های به‌دســـت‌آمده در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که متخصصان تمامی اصول استخراجی را مثبت ارزیابی کرده‌اند. به‌منظور بررســـی این موضوع که آیا میانگین پاســـخ‌های مشارکت‌کنندگان به‌هر ســـؤال به‌طور معناداری بالاتر از میانگین نمرات در هر ســـؤال (۳) اســـت یا خیر نتایج آزمون t تک‌نمونه مورد بررســـی قرارگرفت. براســـاس نتایج به‌دســـت‌آمده، میانگین به‌دســـت‌آمده از گویه‌ها ازمیانگیـــن فرضی (۳) بالاتراســـت و با توجـــه به مقدار t تک نمونه برای هر یک از گویه‌ها در ســـطح خطای کمتر از (۰/۰۱) این تفاوت میانگین از نظر آماری معناداراســـت ($p\leq ۰/۰۱$). اختلاف میانگین نشـــان‌دهنده این‌اســـت که میانگین واقعی چه میزان از میانگین فرضی بالاتراســـت. بنابراین ازدیدگاه متخصصان اعتبار اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر انسان‌شناسی جوادی‌آملی در سطح بالا و کاملاً مطلوبی قرار دارد.

جدول ۳. آزمون t تک نمونه اعتبار درونی الگو

گویه	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	مقدار میانگین فرضی (وزنی)=۳		
					t	df	sig
۱	۱۰	۴/۲۰	۰/۶۳	۰/۲۰	۲۱/۰۰	۹	۰/۰۰
۲	۱۰	۴/۸۰	۰/۴۲	۰/۱۳	۳۶/۰۰	۹	۰/۰۰
۳	۱۰	۴/۱۰	۰/۵۶	۰/۱۸	۲۲/۸۴	۹	۰/۰۰
۴	۱۰	۳/۶۰	۰/۵۱	۰/۱۶	۲۲/۰۴	۹	۰/۰۰
۵	۱۰	۴/۲۰	۰/۶۳	۰/۲۰	۲۱/۰۰	۹	۰/۰۰
۶	۱۰	۳/۵۰	۰/۸۴	۰/۲۶	۱۳/۰۲	۹	۰/۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یکی از مهم‌ترین اصول برنامۀدرسی است که با تغییر آن می‌توان امیدوار بود که دیگر مؤلفه‌ها تغییر کنند ویا اصلاح شوند. ارزشیابی‌های کنونی خلأهای فراوانی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم توجه به مبانی فلسفی نظام وتعریف انسان و ارزش‌های او در مکتب فکری حاکم بر جامعه وکشور است. ازاین‌رو، در پژوهش حاضر سعی‌شده است با بررسی انسان‌شناسی اسلامی و ارزش‌های آن، این معنا روشن شود. ازاین‌رو آثار عبدالله جوادی‌آملی به عنوان استاد اسلام‌شناسی و انسان‌شناسی مورد بررسی قرارگرفت.

یکی از یافته‌های پژوهش، تعریف انسان با عنوان «حی‌متأله» است که تفاوت ماهوی با دیگر مکاتب فلسفی و فکری جهان دارد. از این نظر نمی‌توان تعاریف از انسان و ارزش‌های او را از دیگر جوامع، به‌منزله ارزش‌های آموزشی و تربیتی جامعۀ ایران موردنظر قرارداده وآن‌ها را ارزشیابی کرد. از منظر شریف قرآن، انسان زنده است و حیات او به روح اوست نه تن. ازاین‌رو، تقدم فطرت انسان بر طبیعت او را می‌توان به‌صورت حیات‌یابی طبیعت از فطرت و حیات‌بخشی فطرت به طبیعت یاد کرد، زیرا بدن با روح زنده است که فطرت نحوۀ هستی آن است، نه به‌عکس (جوادی‌آملی،۱۳۸۴). با توجه به حی‌متاله بودن انسان، لازم است این تعریف به‌عنوان مبنا، پایه و اساس دیگر فعالیت‌های تربیتی از جمله ارزشیابی قرار گیرد.

یافتۀ دیگر، هویت انسان در نگاه قرآن به عنوان موجودی وابسته است که این وابستگی در سه منظر خلاصه می‌شود. اولاً انسان فقیر است و از خود چیزی ندارد و اگر هم چیزی باشد امانتی همراه اوست که باید به صاحب امانت تحویل دهد و در بستر حمل امانت (علم الهی) خودش نیز حمل می‌شود و به شکوفایی می‌رسد. ثانیاً انسان تهی و اجوف است. انسان از مرحلۀ نِی بودن هم فراترست وبه بیانی،

نایِ نی اســـت، همچون مجرایی اســـت که صاحب صدا، ندای خود را از ایـــن طریق به اطلاع جهانیان می‌رساند و انسان فقط همین معنا را باید بداند که او چیزی نیست، نبوده و نخواهدبود «ولم‌تک‌شیئا[1]»، «ولم‌یکن‌شـــیئامذکورا[2]». ثالثاً انسان موجودی ربطی اســـت و بین اسم و فعل خدا قرارگرفته نه این‌که موجود مُهملی باشـــد بلکه وجودی اســـت ربطی که علم الهی را متجلی ســـاخته و فعلیت می‌بخشـــد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). بدیهی است چنان‌چه انسان این معنا را بفهمد هرگز دچار بحران هویت، عُجب و خودبزرگ‌بینی نمی‌شود و همواره سعی می‌کند تا جانشینی به‌حق از طرف خداوند باشد و فعل رفتار و گفتار و کردارش خدایی شود.

تا زمانی‌که ارزش‌های وجودی انسان شناخته نشوند ارزشیابی بی‌معنا خواهدبود. یافته‌های پژوهش در این زمینه نشـــان داد که ارزش‌های وجود انسان در نُه ارزش خلاصه می‌شود. چهار ارزش مربوط به کرامت انسـان است که ذاتی اوست؛ علم به اسمـاء، خلیفه‌اللهی، تسـخیر زمین و آسمـان و بصیرت بر خویشتن و پنج ارزش که مربوط به فضیلت است یعنی به انسان بیشتر از موجودات دیگر داده شده است؛ احسن‌المخلوقین بودن، غضب قوی‌تر در انسان، توان برتر در حرکت و کاربرد انسانی آن، پرواز از جهت به‌سمت بی‌جهتی، برتری درآفرینش آیتی و منفعت آن (هویت او بهترین مرآت خداست) و برتری بر اثر داشتن جنبهٔ تشریعی (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵).

همچنین، یافته‌های پژوهش براســـاس تعریف، هویت و ارزش‌های انسان نشان داد اصول ارزشیابی شـــامل چهارده اصل است که با اجرایی ســـاختن آنها می‌توان امیدوار بود ارزش‌های اصیل انسان مورد ارزشیابی قرارگیرند. این اصول عبارت‌اند از: توجه به عمل و عملکرد آدمی، خودارزیابی و داشتن اختیار و آزادی بر عمل، توجه به درون آدمی، توجه به ارزش‌های اصیل آدمی (و عناصر محوری انسان)، فطرت و عقل ملاک و معیار ســـنجش، توجه به اســـتعدادها و تنوع و تفاوت در ارزشـــیابی، ارائهٔ ملاک و معیار ارزشـــیابی، توجه به خودآگاهی و خودشناسی به‌منظور خودیابی، بیدار نگه‌داشتن همواره فطرت آدمی، توجه به علوم میزبان و علوم میهمان به میزان اهمیت و ماندگاریشان، مخالف نبودن با اقتضائات فطری آدمی، مفیدبودن و ماندگار برای همهٔ زمان‌ها، مستمر بودن، رتبه‌بندی براساس ارزش‌های والای انسانی.

یکـــی از یافته‌های پژوهش تأکید بر عمل و عملکرد آدمی اســـت ایـــن یافته با پژوهش نقیب‌زاده و شمشیری (۱۳۸۴) همسوســـت که معتقدند مبنای قضاوت و ارزشیابی استناد به گنجینهٔ دانسته‌های افراد نیســـت، بلکه موفقیت در آزمون‌های عملی و واقعی زندگی است. عمل به این‌جهت مهم‌ترین اصل ارزشیابی ذکر شده که جوهرهٔ وجود آدمی در عمل تبلور پیدا می‌کند. عمل دارای سه عنصر مهم (آگاهی، اراده و علاقه) اســـت و می‌توان گفت که همهٔ عناصر ارزشـــیابی را پوشش می‌دهد. به عبارت دیگر عمل، فعلی اســـت که براســـاس اراده انجام می‌گیرد و بر آگاهی و تمایل و اراده نیز اســـتوار است. علوم انسان

۱. مریم / ۹
۲. انسان / ۱

و تمایـــلات طبیعی و فطری وی، زمینهٔ انتخـــاب و اختیار او را فراهم می‌کند و پس از اراده، عمل انجام می‌پذیرد. گرایش‌های عملی انســـان، مسبوق به گزارش‌های علمی اوست؛ یعنی انسان نخست چیزی را ادراک می‌کند و با علم‌حصولی یا حضوری می‌فهمد یا می‌یابد و ســـپس به آن می‌گرود. گرویدن انسان به چیزی، مانند جاذبهٔ آهن‌ربا و آهن یا کشـــش گیاه به‌سمت مواد غذایی مخصوص نیست که مسبوق به علم نباشد. از سویی هم، عمل انسان آن است که علاوه بر مسبوقیت به علم وی، ارادی هم باشد.

اهمیت عمل از دو جنبه قابل بررسی‌است: ۱) گسترهٔ نامحدود: همهٔ شئون فردی و اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد. ۲) شـــکل‌گیری شخصیت‌انســـان با آن، یعنی انسان می‌تواند با اختیار خویش از وجود تکوینی‌اش حُسن‌اســـتفاده یا سوءاستفاده کرده و شـــخصیت و وجود اکتسابی‌اش را به شکلی مثبت و مطابق با وجود تکوینیِ موهبتی‌اش و یا به‌گونه‌ای منفی و به خلاف آن رقم زند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵).

رابطه میان عمل و عامل، ربطی تکوینی و قطع ناشـــدنی است و عمل عاملش را هرگز رها نمی‌کند وکار کسی را به حساب دیگری نمی‌نویسند. عمل همواره زنده است و به زنده‌ای دیگر (عامل‌آن) وابسته و گره خورده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). در اندیشهٔ قرآنی، چگونگی آینده و حیات آخرتی آدمی، به چگونه زیســـتن وی در دنیا بســـتگی دارد، زیرا هر انسانی در گرو اعمال خود و مهمان ره‌آورد دنیایی خویشتن اســـت: «کُلُّ امرِئٍ بِما کَسَبَ رَهین»[1] و«کُلُّ نَفسٍ بِما کَسَبَت رَهینَةٌ»[2] (جوادی‌آملی،۱۳۹۰). قرآن‌کریم عاقبت هر انسانی را در گرو اعمال خویش می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹).

یافته دیگر پژوهش تأکید بر خودارزیابی اســـت که این یافته با پژوهش عارفی (۱۴۰۰) همسوست که معتقد است ارزشیابی اصیل به خودارزیابی توجه دارد. با تکیه بر آزادی عمل، دومین اصل ارزشیابی است، چرا که هیچ‌کاری از انسان جدا نمی‌شود. هرفردی پیش‌از انجام‌دادن کار آزاد است، به‌گونه‌ای که انجام‌دادن و ترک آن‌کار در اختیار اوست، اما پس‌ازآن در اختیار او نیست بلکه در صحنهٔ نفس وی موجود است و انسان خود بهترین ارزیاب است. «اِقْرَأْ کِتابَکَ کَفی بِنَفْسِکَ الْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسیباً»[3] (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). ترازوی سنجش، دل و فطرت انسان است و ارزیاب آن خود انسان و فطرت اوست (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵).

تأکیـــد بر درون آدمی به عنوان اصل ســـوم همســـو با دیدگاه متقـــی (۱۳۹۳)، کریمی (۱۳۹۰) و رنه‌گنون[4] (۱۳۸۷) اســـت. متقی و نجفی (۱۳۹۳) هدف اصلی تعلیم‌وتربیت را انتقال از حیات معمول طبیعی به حیات معقول و هماهنگی با خواســـته‌های درونی (فطری) و ارزش ـ محوری می‌داند. کریمی (۱۳۹۰) نیز معتقد است علم اولین و آخرین در ذات وجود آدمی مکنون است و آدمی نباید برای طلب مطلوبات خود به بیرون متوجه باشـــد. خداوند به پیامبر می‌فرماید: کار تو ذکر و یادآوری است، آن هم

۱. طه / ۲۱
۲. مدثر / ۲۸
۳. اسرا / ۳۱

4. Rene Guenon

یادآوری علم درون‌ذاتی افراد «وعلم آدم‌الاسماء کلها»، زیرا هرآن‌چه را بشر به آن نیاز داشته خداوند در فطرت و وجود انسان به امانت گذاشته است. «فذکر انما انت مذکر»،[1] و انبیاء آمده‌اند تا با اِثاره «زیر و روکردن، برانگیختن» آن دفینه‌ها و گنج‌های نهان در وجود آدمی را آشکار سازند. رنه‌گنون (۱۳۸۷) معتقد است بحران دنیای غرب این است که توجه به درون و تقدم نظر بر عمل را به فراموشی سپرده و بیشتر به زرق و برق‌ها و جلوه‌های بیرونی پرداخته است.

تأکید بر درون از آن جهت مهم است که اصل انسان، باطن و جان ملکوتی اوست. «اصل الانسان لُبّه»[2] (جوادی‌آملی،۱۳۸۹). انسان باید در جان خود سفر کند؛ «عَلَیکُم أَنفُسَکُم»[3] (جوادی‌آملی،۱۳۹۰). این‌که خداوند فرمود: مواظب جانتان باشید: مسئول کیست؟ مسئولٌ عنه چیست؟ چه کسی مخاطب است؟ دانسته می‌شود که در این خطاب، فطرت انسان و آن هستهٔ مرکزی، مسئول و مخاطب است و «مسئولٌ عنه» سمع و بصر و فؤاد هستند و سؤال‌کننده هم خداوند است؛ و اگر انسان خود حقیقی را فراموش کند، خودهای غیرحقیقی یعنی شئون و زیرمجموعهٔ خود حقیقی مانند خیال وهم در بخش اندیشه، و شهوت، غضب، نفس مسوّله و امّاره در بخش انگیزه، میدان‌دار می‌شوند و ادارهٔ امور وی را به‌دست می‌گیرند (جوادی‌آملی،۱۳۸۹). «عَلَیکُم أنفُسَکُم» یعنی از صراط‌مستقیم جانتان جدا نشوید و برای رسیدن به‌مقصد به راهی جز جانتان نیندیشید (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). راهی که اصحاب صراط با استواری و راست قامتی آن را طی می‌کنند و تبه‌کاران و کافران به رو افتاده و اُفتان و خیزان آن را رها می‌کنند: «أفَمَن یَمشی مُکِبّاً علی وجهه أهدی أمّن یمشی سویّاً علی صراط مستقیم»[4]، راهی زمینی یا آسمانی نیست، بلکه راهی در درون انسان‌هاست و آنان در جان خود سفر می‌کنند و براین‌اساس قرآن‌کریم به مؤمنان توصیه می‌کند که مراقب و ملازم جان‌خود باشید و آن را رها نکنید. انسان باید در جان خود سفر کند که راه همین است و بیرون را آباد نکند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). درون انسان چراغ روشنِ عقل و قلب وجود دارد که با خاموش شدن آن، انسان کوردل می‌شود: «فإنّها لاتعمی الأبصار ولکن تعمی القلوب الّتی فی الصدور»[5] (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). در امتحان الهی توجه به درون مهم است زیرا درون انسان‌ها آشکار می‌شود «والله مخرج ما کنتم تکتمون»[6] (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). در تعلیم‌وتربیت عرفانی نیز، باطن اصالت دارد و هدف آن رسیدن از ظاهر به باطن است و زمانی تعلیم‌وتربیت به موفقیت نائل‌شده که دگرگونی‌های اصیل، ریشه‌ای و عمیق در فرد روی‌داده باشد (نقیب‌زاده و شمشیری، ۱۳۸۴).

اصل چهارم به عنوان یافته، توجه به ارزش‌های اصیل آدمی و عناصر محوری انسان (روح، فطرت، عقل و قلب) است که همسوست با پژوهش علم‌الهدی (۱۳۸۶)، متقی و نجفی (۱۳۹۳) و کریمی

---

۱. غاشیه / ۲۱
۲. بحارالانوار، ج۱، ص۸۲، ح۲
۳. مائده / ۱۰۵
۴. ملک / ۲۲
۵. حج / ۴۶
۶. بقره / ۷۲

(۱۳۹۵) در تأکید بر فطرت و پژوهش دنمان و المهروقی (۲۰۱۸) که معتقد به منصفانه و اخلاقی‌بودن سنجش است. براساس این اصل اگر فطرت حکمرانی انسان را برعهده گیرد، خود از امانت خویش محافظت می‌کند و امین آن خواهد بود (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵).

پنجمین اصل، تأکید بر فطرت و عقل به عنوان ملاک و معیار سنجش است که همسو با پژوهش علم‌الهدی (۱۳۸۶)، متقی و نجفی (۱۳۹۳) و کریمی (۱۳۹۵) است که خلأهای نظام سنجش را دوری از مبانی اسلامی و عدم توجه به قلب‌آدمی به عنوان خاستگاه و جان‌مایهٔ اصلی تفکر و معرفت باطنی دانسته‌اند. براساس این اصل، فروع انسان «طبیعت او» باید از اصول‌انسان «عقل و محکمات» تبعیت کند نه به‌عکس. به‌عبارت‌دیگر عقل و فطرت معیار باشد. انسان مأمور است با فطرت خود ملازم باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵).

اصل ششم توجه به استعدادها و تنوع و تفاوت در ارزشیابی است که همسو با پژوهش عارفی (۱۴۰۰) و دنمان و المهروقی (۲۰۱۸) است که بر تفاوت‌های فردی و متنوع بودن سنجش تأکید دارند. همچنان که در قرآن هم آمده، خدا پیامبران را در بین مردم مبعوث کرد و رسولان خود را پی‌در پی فرستاد تا پیمان فطرت را ادا کنند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آنها بیاورند و با ابلاغ پیام الهی حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه‌های عقل‌ها را شکوفا ساخته و آشکار سازند (جوادی‌آملی،۱۳۸۴). خدای سبحان انبیا و اولیای خود را به آزمون‌های ویژه‌ای مبتلا می‌کند؛ چنان‌که خدای سبحان دربارهٔ مأموریت حضرت ابراهیم برای ذبحِ فرزندش اسماعیل (علیهماالسلام)، که آزمونی برای هردوی آنان بود و هر دو بزرگوار منقاد امر خداوند شدند. در حقیقت، تنوع و تفاوت‌های امتحان، انجام کاری‌است تا در پرتو آن نهاد و نهان ممتحن آشکار شود. آزمون‌های الهی برای پیشبرد امور و تکامل امتحان شوندگان، آشکارشدن درون و ظهور شایستگی آن‌هاست (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹).

اصل هفتم، ارائهٔ ملاک و معیار ارزشیابی با پژوهش حسنی و کیامنش (۱۳۸۸) در تأکید بر ملاک‌های درست ارزشیابی و پژوهش دنمان و المهروقی (۲۰۱۸) در تأکید بر شفافیت ملاک‌ها در سنجش همسوست. در ارزشیابی باید به شاخص‌هایی که افراد براساس آن مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند از قبل آگاهی داشت. شاخص‌هایی که قرآن بیان می‌کند عبارت‌اند از: زنده یا مرده بودن (قرآن کافر را مرده می‌داند)، وزین یا خفیف بودن و بیان یا ابهام‌داشتن (انسان محکم، بیان است و انسان متشابه مبهم) (جوادی آملی، ۱۳۹۵).

توجه به خودآگاهی و خودشناسی به منظور خودیابی به‌عنوان هشتمین اصل با یافته عارفی (۱۴۰۰) و احمدپوری و شیخ‌زاده (۱۳۹۶) در تأکید بر ارتقای مهارت‌هایی چون خودارزیابی که ناشی از خودشناسی است و نیز توجه به خوداصلاحی و خودتنظیمی همسوست. براساس این اصل اگر خداوند نفس انسان را به زشتی و زیبایی خود نفس آگاه نمی‌کرد، هرگز جان آدمی مستوی‌الخلقه نمی‌بود، بلکه همواره گرفتار نقص جهل و عیب نادانی می‌شد، پس خدا نفس انسان را آگاه به حسن و قبح فطری آفرید؛ به‌گونه‌ای

که از هنگام ولادت، از صلاح و فلاح فطری خود با علم حضوری آگاه است و می‌داند که چه می‌خواهد و به کدام سمت باید برود (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵). در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی هم، دانش‌آموز باید بداند خواندن این درس چه نفعی برای او دارد.

اصل نهم بیدار نگه‌داشتن همواره فطرت آدمی است که با پژوهش متقی و نجفی(۱۳۹۳) و کریمی (۱۳۹۵) در تأکید بر فطرت همسوست. بیدار ساختن فطرت باید به‌گونه‌ای باشد که مخلوق حق را ببیند و آن را بطلبد. همان‌گونه که تشنه با دیدن آب، آن را می‌طلبد، روح نیز حق را می‌بیند و آن را می‌خواهد و هر انسانی با چنین فطرتی آفریده می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). برای این منظور لازم است فروع انسان «طبیعت او» از اصول انسان یعنی «فطرت» تبعیت کند.

توجه به علوم میزبان و علوم میهمان به میزان اهمیت و ماندگاریشان به عنوان دهمین اصل، حاکی از آن است که جذب و دفع طبیعت برای حیات انسان لازم است و نباید تعطیل‌شود؛ اما باید به‌دست فطرت تعدیل شود تا حیات الهی انسان را به مخاطره نیندازد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹). این یافته نیز با پژوهش متقی و نجفی (۱۳۹۳) و کریمی (۱۳۹۵) در تأکید بر فطرت همسو است. بر اساس این اصل باید توجه‌کرد که علوم اکتسابی میهمان نفس هستند و بعد از گذر زمان از بین می‌روند و آن علومی که باقی‌است علوم فطری است. دیگر موارد حیات باید به اندازهٔ خود به آن توجه شود؛ به ورزش، شیمی، ریاضی، کنکور و... لازم است به اندازه‌ای توجه شود که این‌ها هدف نگردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

مخالف نبودن با اقتضائات فطری آدمی یازدهمین اصل ارزشیابی است که با پژوهش کریمی (۱۳۹۵) در تأکید بر فطرت و پژوهش دنمان و المهروقی (۲۰۱۸) در تأکید بر ارزش‌های اصیل همسوست. انسان، چه در حکومت قسط‌وعدل فطرت و چه در حکومت ظلم‌وجور طبیعت، مانند ظرف توخالی نیست که هر چیزی را در خود جای دهد؛ عسل باشد یا سمّ، بلکه همانند دستگاه گوارش و معده و روده است که در برابر غذای مسموم واکنش نشان‌می‌دهد و آن را برمی‌گرداند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵).

اصل دوازدهم ماندگاربودن و مفید برای همهٔ زمان‌ها است. این یافته همسوست با پژوهش دنمان و المهروقی (۲۰۱۸) در تأکید بر ارزش‌های اصیل و سودمندی یادگیری و ایجاد انگیزه و پژوهش وایونی و همکاران (۲۰۱۸) در تأکید بر اینکه فعالیت‌های سنجشی باید اطلاعاتی را برای معلمان فراهم کنند تا بتوانند با استفاده از آنها مهارت‌های تدریس خود را ارتقا دهند و به یادگیرندگان یاری رسانند. انسان فطرتاً خواهان مبدئی فناناپذیر است؛ اگر چیزی به غروب و افول و دگرگونی مبتلا باشد، محبوب فطری انسان نیست زیرا موجودی که افول و غیبت داشته باشد ارتباط انسان با او در حال غیبت قطع می‌شود و پروردگار محبوبی‌است که باید ارتباط مخلوق با او دائمی‌باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر ارزش‌هایی باید مورد ارزیابی قرار گیرند که ماندگارند.

مستمربودن سیزدهمین اصل ارزشیابی است، این یافته با پژوهش عارفی (۱۴۰۰) و بلک و ویلیام[1]

1. Black & Wiliam

(۲۰۰۵) در ارزشیابی مستمر همسو است. امتحان همانند درس پرسیدن هرروزهٔ معلمان است و آزمون الهی محدود و در عین‌حال مستمراســـت؛ چنان‌که خدای ســـبحان دربارهٔ جنگ‌هایی که برای دفاع از اســـلام، در هر ســـال یک یا دو بار پیش می‌آمد فرمـــود: «أَوَلا یرون أنّهم یفتنون فی کلّ عام مرةً أو مرتین[1]» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹).

چهاردهمین اصل از یافته‌های پژوهش مبنی بر رتبه‌بندی براساس ارزش‌های والای انسانی با پژوهش رودریگز و همکاران (۲۰۱۳) همسوست که نشان‌دادند تمرکز اصلی سنجش باید بر توانمندی‌ها و نقاط قوت دانش‌آموزان باشد و نیرومندسازی آنان مدنظر قرار گیرد. براساس این اصل که بر جنبه‌های مثبت انسانی و نقاط قوت و ارزشمند وجودانسان تأکید دارد، رتبه‌بندی‌ها باید به ترتیب از ارزش‌های کوچک که در مســـیر فطرت و روح و قلب است شروع شوند و در ادامه هر ارزشی باید مقدمهٔ رسیدن به ارزشی بالاتر باشد و تا بالاترین ارزش که خود خداست تداوم یابد.

یافته‌های بخش کمی در بررسی اعتبار درونی اصول استخراج شده با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته نشان داد که میانگین نمره‌ها بالاتر از میانگین فرضی بود. از این‌رو، این اصول از نظر متخصصان از اعتبار درونی برخوردار اســـت. درک مفاهیم و اصول استخراج‌شدهٔ پژوهش کمک می‌کند تا برنامه‌ریزان درسی ومعلمان، ارزشـــیابی را به‌گونه‌ای انجام دهند که ارزش‌های والای اســـلامی، در یادگیرندگان متجلی و آشکار شوند. بر این اســـاس، برای اعتباربخشی بیرونی به اصول ارزشیابی استخراج شده برای استفاده، پیشنهاد می‌شود دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی‌آموزشی، این اصول را به‌صورت مقدماتی در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در گروه‌های درسی مورد توجه و استفاده قرار دهد و انسان‌شناسی سند تحول‌بنیادین آموزش‌وپرورش براساس مفاهیم انسان‌شناسی اسلامی این پژوهش مورد بازنگری قرارگیرد.

براســـاس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام‌آموزشی به منظور بهبود وضعیت و رفع نقایص موجود در ارزشـــیابی پیشـــرفت تحصیلی با بهره‌گیری از نتایج پژوهش و انطباق نظام ســـنجش فعلی پیشرفت تحصیلی و تربیتی با آن، زمینهٔ سنجش جامع پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان را فراهم کنند و این اصول را برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی برنامهٔ درسی ملی مورد استفاده قرار دهند. به‌طورکلی اصول به‌دست آمده را می‌توان در یک اصل خلاصه کرد و آن تأکید بر عمل و عملکرد دانش‌آموزان است و ارزشیابی‌ها می‌تواند براین‌اساس در دروس گوناگون مانند فیزیک، شیمی، هنر، ادبیات، ورزش، زبان، ریاضی و... انجام پذیرد. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر آن است که اصول پیشـــنهادی عمدتاً از آثار جوادی‌آملی استخراج‌شده و آثار دیگر اندیشمندان اسلامی در نمونهٔ مطالعه، کمتر مورد ملاحظه قرارگرفته است، از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی منابع و آثار سایر اندیشمندان اسلامی نیز مورد مطالعه قرارگیرند.

---

۱. توبه/۱۲۶

منابع و مآخذ

REFERENCES

آروانه، بهزاد و داودی، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی فطرت در آثار شهید مطهری. *معرفت کلامی*، ۲(۵)،۱۰۱-۱۲۶.

آزاد، ابراهیم. (۱۳۹۶). مبانی نظری ارزشیابی (سنجش) براساس شایستگی. *رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش. ویژه‌نامهٔ ارزشیابی مبتنی بر شایستگی*، ۴-۹.

ابراهیمی‌دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۶). *اختیار در ضرورت هستی*. تهران: نشر مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران.

احمدپوری، یونس و شیخ‌زاده، رعنا. (۱۳۹۶). مقایسه و نقد سنجش و ارزشیابی کمّی و کیفی. *مطالعات روان‌شناسی و علوم*، ۳(۳)، ۵۹-۷۳.

اسلامی اردکانی، سید عدنان. (۱۳۹۳). نگاهی اجمالی به دلالت‌های تربیتی اصول موضوعهٔ انسان‌شناسی مولوی در راستای برنامه‌های درسی و ارتباط شاگرد و معلم. *پژوهش‌های اسلامی*، ۶(۲-۹)، ۱-۲۲.

بینش، مرتضی؛ بختیاری فایندری، منصوره و قراری، محمد. (۱۳۹۵). اهداف و ضرورت ارزشیابی برنامهٔ درسی و الگوهای آن. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۲(۸)، ۲۰۱-۲۱۵.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). *تفسیر موضوعی قرآن. ج۱۲، ۱۵*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ الف). *رحیق مختوم*. ج۱. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ ب). *سرچشمهٔ اندیشه*. ج۴. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). *سروش هدایت*. ج۴، ۹. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ الف). *انسان و محیط‌زیست*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ب). *حق و تکلیف*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ج). *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ الف). *آفاق اندیشه*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ ب). *انتظار بشر از دین*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ ج). *انسان از آغاز تا انجام*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ ج). *تسنیم*. ج۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۸. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). *ادب قضا در اسلام*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۴ الف). *بر بال اعتکاف*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۴ ب). *نسیم اندیشه دفتر چهارم*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). *تفسیر انسان به انسان*. قم: انتشارات اسراء.

جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۶). *ادب فنای مقربان*. ج۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰. قم: انتشارات اسراء.

حسنی، محمد و احمدی،حسین. (۱۳۸۷). *ارزشیابی توصیفی الگویی نو در ارزشیابی تحصیلی*. تهران: انتشارات مدرسه.

حسنی، محمد و کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظام ارزشیابی تحصیلی ایران ازمنظر ارزشیابی نظام آموزشی. *نوآوری‌های آموزشی*، ۸(۲)، ۷۵-۱۰۴.

حکیم‌زاده، رضوان. (۱۳۸۷). بررسی مبانی فلسفی برنامهٔ آموزش جهانی و مقایسهٔ آن با مبانی فلسفی نظام تعلیم‌وتربیت جمهوری اسلامی ایران. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۴(۳)، ۷۹-۱۰۴.

خلخالی، مرتضی. (۱۳۸۱). *آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی درسی ایران و راهبردهایی برای اصلاح آن*. تهران: انتشارات سوگند.

دبیرخانهٔ شورای عالی آموزش‌وپرورش. (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: وزارت آموزش‌وپرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

دلبری، سیدمحمد. (۱۳۹۴). *مؤلفه‌های تعلیم‌وتربیت در قرآن‌کریم و نقد برنامهٔ درسی تعلیم‌وتربیت دینی براساس آن*. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

رستگار، طاهره. (۱۳۹۲). *سنجش برای یادگیری*. شورای گزینش و ترجمهٔ متون، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

سلسبیلی، نادر. (۱۳۹۶). کاوشگری درمورد مراحل و روند تدوین سند برنامهٔ درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامهٔ تعلیم و تربیت*، ۳۳(۱)، ۹۳-۱۱۴.

سیدی، سیدمحمد؛ پورکیانی، مسعود و درخشان، مژگان. (۱۴۰۱). ارائهٔ الگوی پژوهش و ارزشیابی تحول‌محور در نظام *تعلیم و تربیت. رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد گرمسار*، ۱۶(۴) ، ۱-۳۰.

عارفی، عفراء. (۱۴۰۰). *ارائه الگوی سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در نظام آموزش و پرورش رسمی* سوریه. پایان‌نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۶). *بررسی مبانی نظری آموزش جهانی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

فروزان‌کیا، مریم. (۱۳۹۰). *نگاهی کیفی به ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به بهانهٔ ارزشیابی توصیفی*. مرکز یادگیری سایت تبیان.

فروزنده دهکردی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر دیدگاه‌های انسان‌شناسی اسلامی و غربی بر نظام ارزشی سازمان. *مجلهٔ اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، (۷). ۱۹- ۴۲

کدیور، پروین. (۱۳۹۲). *روان‌شناسی یادگیری از نظریه تا عمل*. تهران: انتشارات سمت.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۰). *فضیلت نایادگیری*. تهران: انتشارات موسسهٔ فرهنگی منادی تربیت.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۵). *آموزش علیه آموزش*. تهران: انتشارات قدیانی.

گنون، رنه. (۱۹۲۷). *بحران دنیای متجدد*، ترجمهٔ ضیاءالدین دهشیری (۱۳۷۲). تهران: انتشارات امیرکبیر.

متقی، زهره و نجفی، محمد. (۱۳۹۳). چهارچوب نظام *تعلیم و تربیت* در انسان‌شناسی براساس اندیشه‌های علامه محمدتقی جعفری. *پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی*، ۶(۱)، ۶۹-۹۴.

محمدزاده، زینب و صالحی، کیوان. (۱۳۹۷). فرایند ارزشیابی پیشرفت تحصیلی از دید قرآن‌کریم. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، (۳۷)، ۷۹-۱۰۰.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۲). انگارهٔ حداکثری زیرنظام ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان یا سنجش» در نظام تعلیم و تربیت و نقد«ارزشیابی توصیفی» با اتکای به آن. *فصلنامهٔ تعلیم و تربیت*، ۲۹(۴)، ۹—۳۰.

نباتی، رضا. (۱۳۹۵). *ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با نگاهی به قرآن کریم*. سایت راسخون.

نقیب‌زاده، عبدالحسین و شمشیری، بابک. (۱۳۸۴). فرایند تعلیم‌وتربیت با اقتباس از مبانی عرفانی اسلامی. دانشگاه شاهد، دانشور *رفتار*، (۱۲)، ۷۳-۸۹.

Black, P., & Wiliam, D. (2005). Lessons from around the world: How policies, politics and cultures constrain and afford assessment practices. *Curriculum Journal*, *16*(2), 249-261.

Denman, C. J., & Al-Mahrooqi, R. (2018). Alternative forms of assessment. In J. I. Liontas (Project editor: M. DelliCarpini, Volume editor: C. Coombe), *The TESOL encyclopedia of English language teaching* (1st ed.), vol. 8 (pp. 4851–4856). Hoboken, NJ: Wiley.

Laija-Rodriguez, W., Grites, K., Bouman, D., Pohlman, C., & Goldman, R. L. (2013). Leveraging strengths assessment and intervention model (LeStAIM): A theoretical strength-based assessment framework. *Contemporary School Psychology: Formerly" The California School Psychologist"*, *17*(1), 81-91.

Wahyuni, L., Supriati, Y., & Hartati, S. (2018). Model of assessment of capabilities of combinatorial students of teacher school teacher initial school. *Indonesian Journal of Educational Review*, *5*(1), 1-10.

Quarterly Journal of
Education

Principles of Academic Evaluation Derived from the Writings of Ayatollah Javaadi Aamoli

S. Raased[1] ◉ G. R. Sarami Foroushani, Ph.D.[2*] ◉ A. Tajikesmaeili, Ph.D.[3]

Abstract

Given the shortcomings of current universal approaches to academic evaluation, it was deemed necessary to derive the related principles from Islamic texts through content analysis. From among all such texts, the writings of Ayatollah Javaadi Aamoli were chosen as being a comprehensive representation. The content analysis of these writings resulted in basic humanitarian concepts which were later interfaced with a set of 44 questions designed by 10 experts in curriculum, evaluation, and Islamic humanism, resulting in a set of 57 evaluation principles that was compressed into a smaller set of 14. Three of the most important of these are emphasis on: personal behavior and performance, self-assessment, and inner self. Of these, the first is the most important principle of evaluation as it is inclusive of everything that one does, and also because it includes awareness, will, and interest that cover most cases of evaluation. The internal validity of the derived basic principles was calculated to be adequately significant. Using these concepts and principles could help learners internalize Islamic values.

Keywords: **Evaluation principles, academic achievement, Islamic humanism**

Date Received: Oct. 1, 2023 **Date Accepted:** May 3, 2024

This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.

1. Doctoral Graduate in Educational Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
E-mail: sarami@khu.ac.ir
3. Retired Associate Professor of Psychology and Counselling, Kharazmi University, Tehran, Iran.